

## پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان: آراء خاص فلسفی صدر المتألهین در بحث حرکت جوهری و نوآوریهای مبتنی بر آن

استاد راهنما:

آقای دکتر گرجیان (زید عزه)

استاد مشاور:

آقای دکتر واعظی (زید عزه)

## نگارنده :

### مریم احمدزاده

#### مقدمه:

یکی از پر جاذبه ترین تعالیم ملاصدرا، نظریه حرکت جوهری است، که مبنای تبیین بسیاری از دشوارترین مسائل در فلسفه کلاسیک و سنتی از جانب او به شمار می آید و همچنین مبنای مسأله خلقت عالم و تمامی معنای شدن و حدوث در پرتو وجود ثابت و ازلی است. همان طور که معروف است، متقدمین فلسفه اسلامی، به ویژه این سینا، در این مسأله که حرکت تنها در مقولاتی خاص یعنی «کمیت، کیفیت، وضع و این» واقع می شود، تابع فلسفه طبیعی ارسطویی بودند. مقولات یاد شده جملگی از اعراض هستند و این سینا به وضوح امکان حرکت در مقوله جوهر را منکر بود. استدلال عمده وی بر این مطلب چنین بود که حرکت نیاز به یک موضوع غیرمتحرک دارد و اگر این موضوع جوهری در یک شی خود از طریق حرکت جوهری متحول شود، بنابراین دیگر موضوعی برای وقوع حرکت در کار نخواهد بود.

ملاصدرا درست در نقطه مقابل این نظریه گفته است که هر تغییری در اعراض یک شیء در واقع نیاز به تغییر در جوهر آن دارد. زیرا اعراض دارای وجودی مستقل از جوهر نیستند. آموزه صدرایی بعنوان «لبس بعد اللبس» یعنی (پوشیدن روی پوشیدن) خوانده می شود که به موجب آن، صورت و ماده هر موجودی، در مجموع، ماده برای صورت جدید می شوند. و این جریان همواره به همین منوال ادامه می یابد، مثل آنکه فردی لباسی را روی لباس دیگر بپوشد. همه موجودات این جهان در یک سیر صعودی و رو به بالای ناشی از حرکت جوهری هستند. تا اینکه به نهای ترین درجه کمال وجود

مربوط به واقعیت مثالی و عین ثابت خود نایل شوند. نطفه آدمی به جنین تبدیل می شود، سپس رشد می کند تا مبدل به کودک شود که سرانجام متولد می شود و حرکت روبه رشد خود را از صورتی به صورت دیگر ادامه می دهد تا آنکه به سرحد پختگی و رشد جسمی خود می رسد، همان گونه که روح وی پیوسته قوی تر می شود تا اینکه سرانجام مرگش فرا می رسد و به عالم برزخ و مثال وارد می شود و در نهایت در عرصه الهی حضور می یابد. هر یک از مراحل این حرکت متضمن مراحل و صور پیشین و خودی این موجود است، در همان حال که حرکت جوهری بی وقفه و پیوسته تمامی این مراحل را در می نوردد. آموزه حرکت جوهری، کلید گشایش و راه حل بسیاری از مشکلات در فلسفه صدرایی است. لذا در این پایان نامه به آموزه حرکت جوهری ملاحظه و نوآوریهای مبتنی بر آن اشاره می شود.

## 1- بیان مسأله:

فلاسفه تا قبل از طلوع نظریه حرکت جوهری، عموماً برای این مطلب متفق بوده اند که حرکت و تحول، در اساس و هویت یک شیء و موجود، نامعقول و امکان ناپذیر است. (یعنی در جوهر). و از میان صفات و اعراض اشیاء تنها 4 صفت هستند که مشمول تحول و حرکت واقع می شوند. (کم / کیف / این / وضع) و در بقیه صفات و حالات، حرکت متصور نیست. نوآوری ملاحظه (علیه الرحمه) بود که با برهان عمیق و مقاومت ناپذیر به دفاع از حرکت در جوهر پرداخت و از جمله اساسی ترین ارکان فلسفه صدرایی نظریه بدیع او درباره جوهر است. این نظریه توانست تفسیر نوینی از حرکت ارائه دهد که با تبیین ارسطویی و سینوی از حرکت، به کلی متفاوت است. او با این دیدگاه خاص خود، که اعراض وجودی مستقل از جوهر ندارند و با تعریف حرکت به خروج تدریجی شیء از قوه به فعل، پی برد که حرکت مشهود در اعراض، خود دلیل قاطعی بر حرکت در مقوله جوهر است. او شبهه «عدم بقای موضوع» را ناشی از اعتقاد گذشتگان به اصالت ماهیت دانست. ملاحظه، چون وجود را اصیل دانست، حرکت را همان نحوه وجود سیال معرفی کرد. او بر اساس این نظریه، بیان کرد که نهاد جهان، یک نهاد ناآرام است و همواره در حال تغییر و تحول و حرکت است. این حرکت مبدایی دارد که خدا است و مقصدی که در آن جانها ناآرام و متحول جهان، به محل آرامش و قرار و ثبات بار می یابد که همان معاد و بازگشت عالم به اصل و منشأ خویش است. نظریه حرکت جوهری، نتایج

بسیار پرباری در حل معضلات فلسفی دارد که عبارتند از: حل رابطه نفس و بدن، اثبات عالم مثال و تجدد خیالی، بیان اتحاد عاقل و معقول، حل مشکل حدوث زمانی عالم، اثبات معاد جسمانی و واجب الوجود بر اساس حرکت جوهری که در ضمن این پژوهش به آنها پرداخته می شود.

## 2- واژگان کلیدی

الف- حرکت جوهری: مراد از حرکت جوهری این است که صورت های جوهری با حفظ ماده، تدریجاً تغییر می یابند و این دگرگونی تدریجی جوهر را، حرکت در جوهر می گویند. حرکت جوهری، در واقع نوشدن دمام و وجود جوهر است و ربطی به حرکات ستارگان و کهکشانها و سبحاها ندارد. همچنین حرکات اتمها و ملکولها و حرکات ذرات دورن اتم به دور هسته. و حتی اگر حرکتی در درون هسته هم فرض شود، ربطی به حرکت جوهریه نخواهد داشت، چون همه اینها حرکات در اعراض و مکان است و اساساً حرکت جوهری، مسأله ای است فلسفی و عقلی نه علمی و تجربی.<sup>1</sup>

مشهور بین فلاسفه است که از بین مقولات دهگانه، چهار مقوله متجدد الوجودند یعنی حرکت در چهار مقوله جریان دارد: کم، کیف، وضع و این. ملاصدرا می گوید: ما تحقیق کردیم و برای ما محقق شد که پنج مقوله، موضوع حرکت اند و علاوه بر مقولات عرضی مزبور در متن جوهر، حرکت هست و طبایع مادی و نفوس متعلق به طبایع بدنی همه با لذات و درذات خود در تجدد هستند و تمام هویات جسمانی، اعم از بسیطها و مرکبات صور و مواد فلکیات و عنصریات همه در تجدد هستند و صفات و لوازم آنها هم به تبع آنها دائماً در تجدد هستند و حادث هستند به حدوث زمانی و ذاتی و در عین حال ماهیات و تشخص اشیاء با وجود تعاقب صور منحفظ است. هر جوهری جسمانی دارای دو جهت است، یک طبیعت سیال متجدد و دیگری امر ثابت. مستمر باقی نسبت آن به طبیعت مثل نسبت روح است به جسد و همان طور که روح انسان بعلت مجرد بودنش باقی است و طبیعت بدن همواره در تحلیل و ذوبان است و متجدد الذات است و بقای آن به سبب بدل مایتخلل است و از جهت وجود عقلی و صورت مفارقه افلاطونی، ابداً و ازلاً باقی است.<sup>2</sup>

ب. حدوث و قدم: از جمله مسائل دشوار و مورد اختلاف فلاسفه، مسأله حدوث و قدم است. حدوث و قدم بر دو معنی است: یکی به قیاس و دیگری نه به قیاس. قسم اول مانند مقایسه گذشت و حدوث زمان مثلاً مقایسه وجود زید با گذشت زمان، وجود عمرو در قدم بعکس است یعنی آن چه گذشته او از زمان وجود چیزی دیگر زیاد تر باشد، از گذشت زمان، وجود چیزی دیگر. این نوع حدوث و قدم

1- آموزش فلسفه: ج 2 ص 341

2- فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا: ج 1 ص 199

را حدوث و قدم عرفی نامیده‌اند. ملاصدرا در مقام اثبات حدوث ذاتی می‌گوید: هر ممکنی لذاته، مستحق عدم است و از ناحیه غیرش مستحق وجود است و آن چه با لذات است، اقدام از ما بالغیر است، پس عدم در حق آن اقدام از وجود است، تقدم بالذات پس محدث است به حدوث ذاتی و این در حالی است که بطور اصولی، پاره‌ای از حکیمان، حدوث را بدین سان تعریف کرده‌اند: حدوث، عبارتند از مسبوقیت وجود شیء است به عدم. بنابراین حدوث صفتی است که ملحق به وجود شیء می‌شود و وجود حدوث متأخر از تأثیر علت است در آن، پس حدوث نتواند علت احتیاج ممکن به علت باشد.<sup>۳</sup>

ج. عالم مثال: خیال منفصل به وجهی از نظر ملاصدرا، همان عالم مثال است و در مقابل خیال متصل است.<sup>۴</sup> همچنین عالم مثال که به نام خیال منفصل خوانده می‌شود از جهت آنکه غیر مادی است و آن را به خیال متصل و قوه متخیله شبه کرده‌اند، از آن جهت که صور را به خیال تحویل می‌دهد. (اسفار: ج 1 صص 299 و 300)

د. معاد جسمانی: یکی از مسائل مشکل مورد بحث فلاسفه و متکلمان، مسأله معاد است، یعنی بازگشت و زنده شدن اجساد در روز حشر. مشکل اساسی در این مبحث این است که چگونه اجساد فانی و تباه شده که هر جزئی از اجزای آن در گوشه‌ای از این دنیا پراکنده است، مجدداً با همان وضعی که در این دنیا داشته است زنده می‌شود و مورد عقاب و پاداش اعمال خود که در این دنیا انجام داده است، واقع می‌شود، در حالی که مذاهب، عمدتاً قایل به این امر هستند و یکی از اصول دین اسلام اعتقاد به این امر است.<sup>۵</sup>

ه. تجرد خیالی: مرحوم آخوند به عالم مثل معلقه و صور برزخیه که بین عالم معقولات و طبیعت قرار گرفته، و بعضی آن را «هورقلیا» نامیده‌اند، توجه خاصی معطوف داشته و عالم خیال متصل را در نفس حیوانات، مجرد از ماده و باقی دانسته و برای نیروی تخیل در انسان و حیوانات، حیات اخروی بعد از فنای بدن در عالم خیال متصل قائل بوده و در این نکته از تعالیم فلاسفه پیشین که فقط عقل را مجرد می‌دانستند، سر پیچیده و نظر نوینی به عقیده آنها افزوده است. قوه متخیله به نظر ملاصدرا حائز اهمیت خاصی می‌باشد، از آنجا که تجلی‌گاه صفت خلاقیت خداوند است و می‌تواند

<sup>۳</sup> - همان: ص 192

<sup>۴</sup> - فرهنگ معارف اسلامی: ج 3 ص 123 - فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا: ص 232

<sup>۵</sup> - فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا: ج 1 ص 454

صور مختلفه را در ذهن خلق کند، لکن نیروی متخیله فقط قادر به ایجاد صور ذهنی است، در حالی که خالق عالم ماهیات را وجود عینی و خارجی عطا می نماید.<sup>۶</sup>

و. اتحاد عاقل و معقول: مرحوم صدرا، برخلاف مذاق همه حکماء، نظریه اتحاد عاقل و معقول را تأیید کرده و بطور مشروح، اتحاد مدرک با مدرک خود را اثبات می نماید و نشان می دهد، وقتی که ادراکی از قوه به فعل در آید، برای صاحب ادراک یک نحوه ترقی ای حاصل می شود. در حقیقت ادراک، انتقال صاحب ادراک از مرتبه وجود به مرتبه وجود مدرک است. انسان از اول حدوث تا انتهای عمر، اطوار و شئون متعددی دارد و صاحب نشأت و مقامات و درجات مختلفی است که بعضی از آن درجات، از عالم خلق و بعضی از عالم عقل و بعضی از عالم برزخ است. بر مبنای تقسیم بندی او، که صورت را به دو دسته تقسیم می کند، صورت علمی اشیاء با مدرک آنها متحد است و مدرک، موجود مجرد قائم با لذات است. پس هر صورت علمی ای موجود مجرد قائم با لذات است، از آن روی که با نفس، متحد شده است. لذا همچنانکه هر عاقل، معقول و عقل است، هر معقول نیز به حکم اتحاد با عاقل، عقل و عاقل است.<sup>۷</sup>

### 3- اهمیت و ضرورت موضوع:

نظریه حرکت جوهری، به حق شایسته لقب یک نظریه جامع و وحدت بخش است که طبیعت و ماورای طبیعت، غیب و شهود، آغاز و انجام، روح و بدن، حرکت و تکامل و آفرینش و حیات همه را یکجا و بر اساس یک بینش نوین تفسیر می کند و از همه اینها تصویری طبیعی و دلپذیر به دست می دهد. برای یک موحد آگاه بعد از تبیین حرکت جوهری، این مسائل اموری پراکنده نیست که باید آنها را جدا جدا، از روی تعبد و یا با تکلف بسیار پذیرد بلکه با پذیرفتن اصل اصیل حرکت جوهری، این مسائل میوه های شیرین و حیات بخش این درخت ثمر خیز هستند که یکی پس از دیگری می رسند. حرکت جوهری در ایجاد یک جهان بینی همه جانبه و وسیع، نقش بسیار بزرگی را ایفا می کند. کلام ملاصدرا در دفاع از حرکت در مقوله جوهر و اثبات ناآرامی و بی ثباتی در بنیان همه کائنات، آن چنان عمیق است که هنوز هم جای ژرف اندیشی و پژوهش در زوایای مختلف آن وجود دارد و بنده در این پایان نامه، سعی به پرداختن به این مطالب دارم.

<sup>۶</sup> - رساله سه اصل ملاصدرا: بحث مقدمات

<sup>۷</sup> - فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا : ج 1 / ص 95

#### 4- سابقه پژوهش:

پژوهشهایی در زمینه آراء ملاصدرا صورت گرفته که بیشتر به بحثهای نو و جدید او پرداخته‌اند و بعد از او هم، شارحانی بر کتابهای او از قبیل: اسفار، حکمت متعالیه، تفسیر قرآن و شواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه او، شرحهایی زده‌اند. همچنین خود این موضوع هم از مسائلی است که افراد زیادی به آن پرداخته‌اند و در واقع اولین کسی که به این مسأله پرداخته، خود ملاصدرا (علیه الرحمه) بوده است.

#### 5- سؤال اصلی پژوهش:

حرکت جوهری چیست و باعث حلّ چه مسائلی و مشکلاتی شده است؟ یا ( حرکت جوهری چیست و چه مسائلی مبتنی بر آن است؟)

#### 6- اهداف پژوهش:

حرکت جوهری، یکی از مهمترین مباحث فلسفی در تاریخ فرهنگ و فلسفه اسلامی است که به نام ملاصدرای شیرازی، معروف و مشهود شده است و او توانست در پرتو این نظریه، تفسیر فلسفی نوینی از حرکت ارائه دهد که اساساً با تبیین فلسفی ارسطو و ابن سینا متفاوت است و این اصل بنیاد جهان بینی ملاصدرا را تشکیل می‌دهد که اصلی مهم در حل بسیاری از مشکلات فلسفی می‌باشد. همچنین بنده به دلیل علاقه مندی به آراء فلسفی و عرفانی ملاصدرا، خصوصاً نوآوریهای او، بحث حرکت جوهری را انتخاب کردم تا بر اطلاعات و آگاهییم در این زمینه اضافه شود و بتوانم نوشته‌ای هر چند ناچیز درباره او و نوآوریهایش بنویسم. امید آنکه مورد قبول حق واقع گردد. انتخاب حرکت جوهری به این دلیل هم صورت گرفت که این اصل در ایجاد یک جهان بینی همه جانبه نقش مؤثری ایفا می‌کند و در نتیجه، مسائل فلسفی مشکلی همانند حدوث و قدم، روح و بدن، معاد و... در آن به خوبی تبیین شده است.

#### 7- روش پژوهش:

روش پژوهش به صورت توصیفی است.



## 8- روش گردآوری اطلاعات:

گردآوری اطلاعات و داده‌ها از طریق کتابخانه‌ای و استفاده از نرم‌افزارهای فلسفی (CD) صورت گرفته و در پژوهش هم از روش توصیفی و در بعضی قسمت‌ها از تجربه و تحلیل استفاده می‌گردد.

## 9- فرضیه‌های پژوهش:

1- در حرکت جوهری، طبیعت‌های جوهری اجسام از نظر هویت وجودی متغیر و مبتدلند. 2- حرکت جوهری باعث حل مسائل غامض فلسفی شده است. 3- حرکت جوهری از نظریات خاص ملاصدرا است که نوآوری‌هایی هم مبتنی بر آن است. 4- بارد حرکت در جوهر، حرکت در اعراض هم قابل اثبات نیست. 5- حرکت موجودات به طرف قوس صعود صورت می‌گیرد.

## 10- سئوالات فرعی پژوهش:

1- حرکت جوهری، در زمینه ربط متغیر به حادث چه نقشی دارد؟ 2- حرکت جوهری، چه رابطه‌ای با جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس دارد؟ 3- حرکت جوهری، در زمینه اثبات عالم مثال چه نقشی دارد؟ 4- حرکت جوهری، برای حل مساله معاد جسمانی، چه راهکاری دارد؟ 5- حرکت جوهری، با اتحاد عاقل و مقعول چه ارتباطی دارد؟ 6- حرکت جوهری، در زمینه اثبات واجب‌الوجود، چه نقشی ایفا می‌کند؟